

جشنواره موسیقی

به مناسبت چاپ مجموعه شعر «سایه‌های مهربان»

یحیی علوی فرد



عنوان کتاب: سایه‌های مهربان
شاعر: افسانه شعبان نژاد
تصویرگر: محمدعلی بنی‌اسدی
ناشر: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۳۶ صفحه
بها: ۵۰۰ تومان

عروضی، علاوه بر رفع محدودیت زبانی، باعث غنای موسیقی در شعر نیز می‌شود. شاهد مثال ما بعضی از شعرهای نیمایی است که از دل آن‌ها موسیقی فوران می‌کند. شاعران در این شعرها، بدون تکلف حرف زده‌اند و هم‌چنین جشنواره‌ای از موسیقی در شعر به راه انداخته‌اند؛ جشنواره‌ای از موسیقی داخلی، معنوی و ظاهری...

با این توضیحات، مجموعه شعر «سایه‌های مهربان» را با هم مرور خواهیم کرد. مخاطب با مرور شعرهای این کتاب، پیش از هر چیز جذب موسیقی زیبای آن می‌شود. تقریباً بر تمام شعرهای این مجموعه، ساختاری کلاسیک سایه انداخته است؛ یعنی زیربنای شعر همان قالب‌های کلاسیک است. اگر شاعر در یک بند چهار یا پنج مصراع می‌آورد، می‌کوشد در بندهای بعدی هم این ساختار را حفظ کند.

خلاصه کلام این که شعرهای این مجموعه، نوع گسترش یافته‌ای از چارپاره هستند.

اما چیزی که باعث می‌شود ما این شعرها را نیمایی بدانیم، عواملی هستند که در این شعرها وجود دارند؛ مثل موسیقی پلکانی، ارکان کوتاه و بلند و رها بودن شعرها از قید و بندهای ارکان در وزن کلاسیک و ... موسیقی زیبای این مجموعه را از چند زاویه مورد

موسیقی جزئی جدائی‌ناپذیر از شعر است. اگر شعر را انسانی در نظر بگیریم، بی‌شک موسیقی، لباس و تن‌پوش آن است. شاید دلیل این امر آن باشد که عناصر دیگر شعری از قبیل تخیل، توصیف و تصویرسازی‌های شاعرانه، دارای نوعی پوشیدگی و در لافه هستند. آن چه در نگاه اول از شعر بر ذهن مخاطب می‌نشیند، موسیقی آن است. گاهی موسیقی، چنان بر جذابیت یک شعر می‌افزاید که مخاطب بدون توجه به لایه‌ها و بطن‌های شعری و تنها با شنیدن موسیقی شعر، به وجد و شفع می‌آید.

عده‌ای معتقدند که غنای موسیقی در شعر کلاسیک بیشتر بوده و هست. آن‌ها می‌پندارند که نیما با پیشنهاد شعر نو، نقش موسیقی را در شعر کم‌رنگ کرد و آن‌چنان که برای بیان بدون تکلف در شعر ارزش قائل بود، توجه زیادی به موسیقی شعر نداشت.

شاید در نگاه اول، چنین به نظر آید که نیما با کم و زیاد کردن ارکان عروضی در شعر، به شاعران کمک کرد که بدون تکلف و سختی حرف‌شان را بزنند. از سویی، با شاعرانی مواجه می‌شویم که حتی در شعر نو، نمی‌توانند به راحتی حرف‌شان را بزنند. با این تصورات، به این نتیجه می‌رسیم که شعر نیمایی شاعران را تنبل بار می‌آورد، اما حقیقت مطلب این نیست؛ زیرا کم و زیاد شدن ارکان

۱- استفاده از عبارتها و جمله‌های بدون فعل

استفاده از جمله‌های بدون فعل، زبان را از حالت عادی نگارش خارج می‌کند. این کار اگر هدفمند صورت بگیرد و به جا از آن استفاده شود، علاوه بر زیبایی زبانی، نوعی موسیقی داخلی در شعر ایجاد خواهد کرد و باعث تأثیرگذاری زیاد شعر بر مخاطب می‌شود.

یکی از شعرهای زیبای این مجموعه، با استفاده از این تکنیک سروده شده است که زیبایی خاصی دارد. در شعر «هزاران سؤال»، بخشی از موسیقی زیبایی شعر، مدیون جمله‌های بدون فعل است:

یک قفس

یک نوک بسته در آن

یک دل غمگین و شکسته در آن

یک درخت

بی‌خبر از بوی بال

سبز ولی ساکت و بی‌قیل و قال

...

۲- چینش زیبای کلمات در شعر

امروزه توجه کردن به چینش کلمات در محور هم‌نشینی و جانشینی، از اهمیت خاصی در نزد شاعران و نویسندگان برخوردار است. با دقت در کتاب «سایه‌های مهربان»، متوجه خواهیم شد که نوع چینش کلمات در دو محور جانشینی و هم‌نشینی، حساب شده و سنجیده است. این ویژگی، از وسواس و حساسیت شاعر در انتخاب واژه‌های شعرش خبر می‌دهد.

۳- تنوع قافیه و ردیفها

یکی از آفتهایی که شعر کودک و نوجوان را تهدید می‌کند،

در کتاب «سایه‌های مهربان»
بیشتر شعرها در وزن‌های تند و خیزابی
سروده شده است. در حالی که
موضوع و فضای بعضی از شعرها
با این بحرهای عروضی
سازگاری ندارد

سهل‌انگاری بعضی از شاعران، در انتخاب قافیه‌ها و ردیف‌های سست و کلیشه‌ای است. این افراد که در شعر خود، محو معنا محوری، روایت و زبان شعر می‌شوند، گاهی فراموش می‌کنند که باید برای جذابیت شعر، از قافیه‌ها و ردیف‌های جدید و متنوع استفاده کنند. حتی گاهی آن قدر قافیه‌ها کلیشه‌ای و تکراری است که انسان می‌تواند پیش‌بینی کند که قافیه در بیت بعدی چه کلمه یا کلماتی خواهد بود. البته این حرف به آن معنا نیست که شعر کودک و نوجوان ما از قافیه‌های نو و متنوع بی‌بهره است. هدف از بیان این نکات، آسیب‌شناسی شعر کودک است، نه تخریب یا تضعیف آن.

در مجموعه «سایه‌های مهربان»، با بعضی قافیه و ردیف‌های ساده رو به رو هستیم، اما بیشتر قافیه‌ها و ردیف‌ها در شعرهای این مجموعه، زیبا و متناسب استفاده شده‌اند. انتخاب به جای ردیف‌ها و قافیه‌های خوب در این کتاب، یکی از عوامل غنای موسیقایی آن به شمار می‌رود.

جدا از عوامل اشاره شده، غنای موسیقایی این مجموعه، مدیون دو عامل است:

۱- استفاده از وزن‌های کوتاه و نزدیک شدن قافیه‌ها و ردیف‌ها

به هم

۲- توجه به ریتم شعرها (بحرهای عروضی)

در ادامه مقاله، می‌کوشیم به صورت مفصل‌تری این دو عامل را

در کتاب «سایه‌های مهربان» بررسی کنیم:

قافیه‌های نزدیک به هم

نزدیک بودن قافیه‌ها و ردیف‌ها در شعر، باعث زیبایی موسیقی در آن شعر می‌شود. در گذشته بسیاری از شاعران کلاسیک، با سرودن شعرهایی در وزن‌های کوتاه و نزدیک کردن قافیه‌ها، قوت شعرشان را به رخ دیگران می‌کشیدند. نزدیک کردن قافیه در شعرهای کلاسیک، فقط در شعرهایی با وزن‌های کوتاه امکان‌پذیر بود، اما امروزه در ساختار شعر نیمایی، با کم و زیاد شدن ارکان عروضی، این امکان فراهم شده است که شاعران بتوانند قافیه‌هایی با فاصله کم، ایجاد کنند. هرچند عده‌ای از شاعران خود را ملزم

انتخاب به جای ردیفها
و قافیه‌های خوب در این کتاب،
یکی از عوامل غنای موسیقایی آن
به شمار می‌رود.

نمی‌دانند که در شعر نیمایی، قافیه و ردیف را رعایت کنند، شاعر کتاب «سایه‌های مهربان»، خود را به رعایت آن ملزم دانسته و حتی با ایجاد قافیه‌های نزدیک به هم، به زیبایی موسیقی در شعرش افزوده است. مثلاً در شعر «شیطنت باد» می‌خوانیم:

خانه باز
ساکت و آرام بود
کفتری
خسته لب بام بود

...
بند رخت
خواب خواب
رخت‌ها

ساکت و بی‌حوصله و خیس آب
یا در شعر «روستای زندگی»:

...
- و خانه چیست؟

- و خانه روستای زندگیست
... -

در شعر «خستگی» می‌خوانیم:

...
در حیات

بوس نفس‌های پدر می‌چکید
خستگی

از سر و از پای پدر می‌چکید
در شعر «پنجره» آمده است:

...

ای کاش شبی باد
آهسته بیاید
تا پنجره‌ای دید
آن را بگشاید

...
و در شعر «هزاران سؤال» می‌خوانیم:

...
یک دعا

ساده و بی‌ادعا
از دل شب می‌گذرد تا خدا

...
در ابتدای شعر «مسئله‌های کتاب»، شاعر چنین می‌گوید:

آفتاب

در وسط خانه پهن

در اتاق

سفره صبحانه پهن

...

تنها در بعضی از شعرها، فاصله قافیه‌ها از هم زیاد شده است، اما التزام شاعر به رعایت قافیه در تمام شعرها، خود نوعی قوت محسوب می‌شود. این التزام به قافیه و ردیف در شعر، باعث شده است که شعرهای این مجموعه را نوع گسترش یافته چارپاره بدانیم.

توجه به ریتم شعر

جایگاه ریتم در وزن شعر، مثل جایگاه ملودی در موسیقی است. به همین علت، استفاده بهینه از آن، می‌تواند دارای اهمیت ویژه‌ای باشد.

در کتاب «سایه‌های مهربان»، بیشتر شعرها در وزن‌های تند و خیزابی سروده شده است. در حالی که موضوع و فضای بعضی از شعرها با این بحرهای عروضی سازگاری ندارد. برای روشن شدن این موضوع، شعرهای این کتاب را مرور می‌کنیم. در شعر «شیطنت باد»، موضوع شعر در دو فضای متفاوت بیان شده است. بخش اول شعر فضای آرامی را به تصویر می‌کشد:

خانه باز
ساکت و آرام بود
کفتری
خسته لب بام بود.

...

و در بخش دوم شعر، فضایی پرهیجان را به تصویر می‌کشد که با آمدن باد شروع می‌شود:

...

ناگهان
از لب دیوارمان



تناسب ریتم شعر با موضوع آن،
چیزی نیست که همواره شاعر در آن
نقش مستقیم داشته باشد
و حساب شده روی آن کار کند.
بخشی از تناسب، وابسته به دقت و
تلاش شاعر است و بخش عمده‌ای از آن
ذوقی و کشفی است و شاید
دست خود شاعر نباشد

باد به این سو دوید
هو کشید
...
بند رخت
تاب خورد
رخت و لباس همه را باد برد
...

وزن شعر تند است و با فضای بخش دوم شعر بیشتر تناسب دارد.

البته در فضای آرام قبل از آمدن باد، تندی وزن شعر می‌تواند نوعی اضطراب درونی، انتظار و هول و ولا را برساند.

در شعر «در حیاط»، وزن شمرده و توأم با شمارش، تداعی‌گر بارش باران و ریتم شمرده قطره‌های باران است:

آسمان چه بی‌صدا
روی خانه می‌چکد
برگ‌های توت ما
دانه، دانه می‌چکد
...

در شعر «سفره شاخه‌ها»، شاعر فضای خانه، درخت انار و پرندگان را به تصویر می‌کشد و آرزو دارد یکی از آن پرنده‌ها باشد:

کاش می‌شد از کنار پنجره
بال می‌زدم به آسمان او
بوسه می‌زدم به جای فنج‌ها
روی دست‌های مهربان او

ریتم شعر کند است و حس و حال گلایه و آرزو را در این ریتم به خوبی می‌توان حس کرد.

از لحن ملایم شعر «روستای زندگی»، فضای مهمان‌نوازی و فراخوان به ذهن مخاطب منتقل می‌شود:

...
تو کیستی بگو؟
به روستای ما خوش آمدی
اگر که دوستی بیا
به جمع با صفای ما خوش آمدی
در شعر «دلواپسی فردا» می‌خوانیم:

...
یک نفر همدوش من درخانه بیدار است
سایه‌اش پیداست
باز هم مانند من امشب
مادرم دلواپس فرداست

شاید بتوان گفت ریتم کند و طولانی شدن بعضی از مصراع‌ها،

تداعی‌گر کندی گذر زمان برای کسی است که بیدار مانده و دلواپسی فردا را دارد.

گذر زمان را در شعر «چلچله لحظه‌ها» احساس می‌کنیم:
مادرم می‌گوید:

«لحظه‌ها چلچله‌اند
مثل یک چلچله در کوچ و سفر
و به اندازه یک پلک زدن
از کنار همه درحال گذر»
...

ریتم ثانیه شماری در این شعر زیباست و گذر زمان را برای مخاطب ملموس‌تر می‌کند.

در شعر «خستگی» می‌خوانیم:

تق و تق
خانه باز
پرشد از آواز در
دوش به دوش غروب
باز هم آمد پدر
...

خستگی پدر، با ریتم تند شعر تناسب خوبی ندارد؛ هرچند آمدن پدر خسته از سر کار هم می‌تواند برای کودک شورانگیز باشد و ریتم تندی را بطلبد.

شعر پنجره دو فضای پارادوکسی را توصیف می‌کند. در یک سو، پنجره‌های باز، شاد و پیوند خورده با کبوتر قرار دارند و در طرف مقابل، پنجره‌هایی بسته و خسته:

یک پنجره باز است
یک پنجره بسته
یک پنجره شاد است
یک پنجره خسته
...

در ادامه، شعر با لحنی همراه با آرزو و تمنا به پایان می‌رسد.



در شعر «سایه‌های مهربان»، می‌توان ملایمت سایه‌های مهربان ظهر را در وزن ملایم شعر نیز به خوبی لمس کرد:

شاید بتوان فضای ملایم پایان شعر را کلیدی‌تر از دو فضای ابتدایی آن دانست:

...
و من به جست‌وجوی سایه‌ای خنک‌ترم
همان که آفتاب هم نشان اوست
تمام سایه‌های مهربان ظهر
از آن اوست.

...
ای کاش شبی باد
آهسته بیاید
تا پنجره‌ای دید
آن را بگشاید

در شعر «برگ»، با آرزویی سرشار از تمنا روبه‌رو هستیم:

خوش به حال برگ
او که در بهار
مثل کودکی
روی شاخه، چشم باز می‌کند
دست را
رو به آفتاب و آسمان دراز می‌کند

بهتر بود که ریتم و وزن شعر ملایم‌تر انتخاب می‌شد تا با فضای پایانی شعر هماهنگ‌تر باشد.
در شعر «بادبادک‌ها» می‌خوانیم:

...
می‌روم از پله‌ها تا روی بام
باد با نرمی تکانم می‌دهد
بادبادک‌ها چه بالا رفته‌اند
باد آن‌ها را نشانم می‌دهد

غبطه خوردن به حال برگ‌ها، در ریتم ملایم پر از آرزو و تمنا، خوب بیان شده است.

می‌توان رقص بادبادک و حرکتهای رفت و برگشتی آن را در ریتم موزون هر بیت از این شعر احساس کرد.

در شعر «کاش...» می‌خوانیم:

کاش که باغی بزرگ
در دل این کوچه بود
آن طرف پنجره
باغ بزرگی پراز آلوچه بود

در این شعر، موضوعی عاطفی که وزنی ملایم می‌طلبد، بیان شده است. بنابراین، ریتم تند شعر در راستای این موضوع نیست. نکته‌ای که می‌شود در توجیه این ناهماهنگی بیان کرد، این است که ریتم تند شعرهای این‌چنینی را می‌توان نشانه دلشوره و عجله برای رسیدن به آرزو دانست.
دلشوره و اضطراب، در شعر «هزاران سؤال» نیز موج می‌زند:

یک قفس
یک نوک بسته در آن
یک دل غمگین و شکسته در آن

**استفاده از جمله‌های بدون فعل،
زبان را از حالت عادی نگارش خارج می‌کند.
این کار اگر هدفمند صورت بگیرد
و به جا از آن استفاده شود،
علاوه بر زیبایی زبانی،
نوعی موسیقی داخلی در شعر ایجاد
خواهد کرد و باعث تأثیرگذاری زیاد شعر
بر مخاطب می‌شود**

یک درخت
بی‌خبر از بوی بال
سبز ولی ساکت و بی‌قیل و قال

یک کلید
بر نوک میخی اسیر
سرد و خجالت زده و سربه زیر

یک دعا
ساده و بی‌ادعا
از دل شب می‌گذرد تا خدا

یک طلوع
غرب در آواز بال
با قفسی باز و هزاران سؤال...

شاید بتوان گفت که این شعر از هر جهت بهترین

شعر کتاب «سایه‌های مهربان» است. ریتم تند و طولانی شدن مصراع‌ها، بالارفتن ضربان قلب و اضطراب درونی را نشان می‌دهد. حتی نیامدن فعل، در بعضی از مصراع‌های این شعر، حکایت از این اضطراب دارد.

در شعر «بادبادک خیال»، دوباره با رقص بادبادک همراه می‌شویم:

برادرم رفیق بادبادک است
و جای او همیشه روی پشت بام
نگاه او به آسمان صاف
به آسمان صاف ناتمام

...

اما این بار حرکت بادبادک‌ها، در ریتمی کندتر از قبل به نمایش درآمده است. شور، شادی و زندگی بخشی در شعر «رنگ‌ها، پرنده‌ها» موج می‌زند:

...

کاشکی نوک مداد ما
باز از پرنده پر شود
تا دوباره کوچه‌های ما
از صدای خنده پر شود

ضرباهنگ مناسب شعر نیز به این شور و شادی می‌افزاید. شعر «مسئله‌های کتاب»، باز هم از امتحان و اضطراب ناشی در آن حرف می‌زند:

...

باز سر سفره صبحانه‌ام
ساکت و بی‌اشتها
باز سرم پر شده
از عدد و مسئله و ضرب‌ها

زبان زیبا و شاعرانه «شعبان‌نژاد»
در این مجموعه نیز کاملاً مشهود است؛
زبانی که حتی از سوژه‌ها و
موضوع‌هایی پیش پا افتاده و تکرار شده
در شعر دیگران، شعری دلپذیر و
تأثیرگذار می‌سازد. شاید بتوان گفت که
مهم‌ترین ویژگی زیبایی‌شناختی
در شعرهای شعبان‌نژاد،
شفافیت و شاعرانگی زبان اوست

...

احساس می‌شود وزن شعر هم به نوعی اضطراب امتحان را نشان می‌دهد؛ اضطرابی که از زبان تند و ریتم سریع کلام به دست می‌آید.

تناسب ریتم شعر با موضوع آن، چیزی نیست که همواره شاعر در آن نقش مستقیم داشته باشد و حساب شده روی آن کار کند. بخشی از تناسب، وابسته به دقت و تلاش شاعر است و بخش عمده‌ای از آن ذوقی و کشفی است و شاید دست خود شاعر نباشد. وقتی با آب و تاب فراوان درباره تناسب وزن و موضوع در یک شعر حرف می‌زنیم، همان‌طور که درباره شعرهای این مجموعه حرف زدیم، به آن معنا نیست که شاعر متوجه تمام این تناسب‌ها بوده و هست. البته این گونه هم نیست که شاعر کاملاً از این موضوع غافل باشد.

بخش پایانی

استفاده از عناصر موسیقی در شعر، از حوصله و وسواس شاعر خبر می‌دهد. خواننده در کتاب «سایه‌های مهربان»، با شعرهایی خوب و منسجم روبه‌روست و بیش از هر چیز، جذب موسیقی زیبای آن می‌شود.

شاعر این مجموعه، از ابزار موسیقی در شعرهایش، به خوبی بهره برده است. انتخاب شعرهایی با موسیقی زیبا در یک مجموعه این چنینی، نمی‌تواند کاملاً تصادفی باشد.

علاوه بر آن، زبان زیبا و شاعرانه «شعبان‌نژاد» در این مجموعه نیز کاملاً مشهود است؛ زبانی که حتی از سوژه‌ها و موضوع‌هایی پیش پا افتاده و تکرار شده در شعر دیگران، شعری دلپذیر و تأثیرگذار می‌سازد. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ویژگی زیبایی‌شناختی در شعرهای شعبان‌نژاد، شفافیت و شاعرانگی زبان اوست.